

صدای سرمد



تا آن بلندی ها

فریب

چون قصه های ماضیه تحریر میکنند
گویی که وضع جاریه تصویر میکنند
در وصف سرنگونی اهریمن سیاه
از بهر خنده است که تفریر میکنند
مام ستمکشیده ما را به صد فریب
بنگر چگونه پای به زنجیر میکنند
جز کودکان، رمیده همه از کنارشان
"عیب جوان و سرزنش پیر میکنند"
آنها که بود وحشتشان از صدای تیر
امروز اتکا به سر تیر میکنند
بنگر نبوغ را که بنای جهان نو
با حرف مفت یکشبه تعمیر میکنند

داود "سرمد"

بهتر

کشیدن بار غم برشانه بهتر
عقاب آس، سبک بالانه بهتر
صداقت مشربی طفلانه بهتر
پرستش کردن بتخانه بهتر
طواف ساغر و پیمانه بهتر
چورندان نعره مستانه بهتر
نهادن، گام، خاموشانه بهتر
از آن آسایش گلخانه بهتر
ز شان وشوکت شاهانه بهتر
ز تقوی ریاکارانه بهتر
از آن فرزنانگان دیوانه بهتر

داود "سرمد"

تلاش زندگی مردانه بهتر
به اوج آسمان ها پرگشودن
خردمندی چو پیران مجرب
ز پا بوسیدن پیر خطا کار
ز طوف کعبه، گربهر فریب است
به جمع پر خروش باده نوشان
ز های و هوی دور از واقعیت
برای ما همین راه پر از خار
غرور عزت نفس ستم کش
گنه کردن به چشم من دوصدبار
اگر فرزنانگان نیرنگ بازند